

سوره مبارکه انسان

جلسه دوم

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)

ترجمه:

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، او را می آزماییم. لذا او را شنوا و بینا قرار دادیم.

در آیه قبل مطرح شد که انسان چیزی قابل ذکر نبوده است و در این آیه خداوند صریحاً اعلام می کند که ما او را از نطفه‌ای در هم آمیخته خلق کردیم.

خلق مراحل دارد که عبارت است از: طرح، ترکیب، تصویر. خداوند تصریح می کند که طراح و ترکیب کننده و صورتگر انسان ما هستیم. ما او را از نطفه‌ای در هم آمیخته خلق کردیم.

دو کلمه موصوف به صورت مفرد و صفت به صورت جمع این (نطفة مشاج) از معجزات علمی قرآن است و به دنیای عظیم نطفه اشاره دارد که تمام سرمایه های انسان از رنگ چشم و بلندی اندام و همه اعضا و جوارح گرفته تا تمام قدرت های فراگیری و ... در نطفه قرار داده شده است.

جمله «نبتلیه» اشاره به رسیدن انسان به مقام تکلیف و تعهد و مسئولیت و امتحان و آزمایش دارد و یکی از بزرگترین مواهب خداوندی است که به انسان کرامت فرموده و او را شایسته تکلیف و مسئولیت قرار داده است. در این جمله میگوید: ما او را از بوتۀ آزمایش می گذرانیم و چون آزمایش و امتحان بدون آگاهی و شناخت ممکن نیست، در جمله آخر آیه اشاره به ابزار شناخت یعنی گوش و چشم می کند «فجعلناه سمیعاً بصیراً».

با توجه به اینکه سمیع و بصیر از اسمای الهی است، آیه اشاره دارد به اینکه کمال انسان در سمیع و بصیر شدن است که با سمع و بصر به دست می آید و همان راه تعلیم و تربیت است. نکته جالب اینکه «نبتلیه» حلقه پیوند بین نطفه و سمیع و بصیر است، یعنی آزمایشات الهی باعث میشود که انسان از نقص به کمال برسد و از نطفه پست به مقام خلیفه الهی که مظهر اسم سمیع و بصیر است، ارتقا یابد.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳)

ترجمه:

ما انسان را به راه کمال هدایت کردیم و انسان در برابر هدایت الهی یا شکرگزار است و یا کفران کننده.

بعد از خلقت بلافاصله هدایت مطرح می شود چون تکلیف و آزمایش علاوه بر ابزار شناخت یعنی گوش و چشم و... نیاز به دو عامل دیگر یعنی هدایت و اختیار دارد. منظور از هدایت همان هدایت تشریحی یعنی دین است. دین دعوت بشریت به بلوغ است. دین به انسان میگوید: کمال تو در معنویت است. در مادیت اگر به نهایت هم برسی باز کودکی. تعبیر به "شاکرًا" و "کفورًا" گویاترین و مناسبترین تعبیر است زیرا در مقابل نعمت بزرگ هدایت الهی، آنها که پذیرا و تسلیم شوند، شکر این نعمت را به جا آورده اند و آنها که مخالفت کنند کفران کرده اند.

آیه مذکور خط بطلان بر مکتب جبر می کشد و سه مسئله اساسی را مطرح میکند: هدایت، تکلیف، آزادی و اختیار. یعنی با نشان دادن راه که همان هدایت است انسان مکلف میشود به انتخاب راه پردازد و انتخاب راه نیاز به آزادی و اختیار دارد. یعنی با اراده و خواست کاری را انجام دادن.

بنابراین انسان در برابر هدایت الهی مختار است که یا تسلیم شود و شکر نعمت عظیم هدایت را به جا آورد و یا از پذیرش سرباز زند و کفران نعمت کند .

نکته قابل توجه اینکه بحث جبر و اختیار در هدایت مطرح میشود، نه در خلقت یعنی انسان در آفرینش خودش اختیاری ندارد، بلکه در انجام اعمال است که اختیار انجام یا عدم انجام عمل را دارد.

بنابراین مسئولیت زمانی مطرح می شود که انسان اختیار داشته باشد. در حالت اجبار انسان مسئول نیست، یعنی انسان در دیدن و شنیدن مسئول نیست، در نگاه کردن و گوش دادن مسئول است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَ سَعِيرًا (۴)

ترجمه:

ما برای کافران زنجیرها و غل ها و آتش سوزان آماده کردیم.

در ادامه آیه قبل که می فرماید : ما راه را نشان دادیم، گروهی می پذیرند و شکر نعمت هدایت را به جا می آورند و گروهی نمی پذیرند و کفران می کنند. در این آیه قبل از اینکه به تفصیل از سرنوشت شاگردان بحث کند، اشاره کوتاه و پرمعنایی به سرانجام کسانی دارد که کفر را انتخاب می کنند و میگوید: ما برای کافران زنجیرها و غل ها و آتش سوزان آماده کرده ایم.

به کاربردن فعل ماضی «أَعْتَدْنَا» تأکیدی است بر قطعی بودن مجازات و اشاره دارد بر اینکه پیروی از شهوات و آتش هائی که کافران در این دنیا برپا کرده اند در آخرت تجسّم یافته و دامانشان را میگیرد.

نکته قابل توجه اینکه آیات عذاب سراسر رحمت است چون علاج واقعه قبل از وقوع است و پیش از وقوع هرچه عذاب را شدیدتر توصیف کنند، گریز انسان بیشتر خواهد بود.

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

ترجمه:

نیکوکاران از جامی می نوشند که با عطر خوش و آرام بخشی آمیخته است.

شأن نزول:

ابن عباس میگوید: حسن و حسین^(ع) بیمار شدند، پیامبر^(ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی^(ع) گفتند: ای ابوالحسن خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می کردی. علی و فاطمه "علیهما السلام" و فضّه که خادمه آنها بود، نذر کردند برای شفای آنها سه روز روزه بگیرند. چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند؛ علی^(ع) سه من جو قرض نمود و فاطمه^(س) یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت هنگام افطار سائلی به در خانه آنها آمد و سلام کرد و غذا خواست، آنها همگی فقیر را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب نوشیدند. روز دوم وقت افطار یتیمی بر در خانه آنها آمد، ایثار کردند و غذای خود را به او دادند و باردیگر با آب افطار کردند و روز سوم اسیری به هنگام غروب به در خانه آمد و غذا خواست باز هم همگی سهم خود را به او دادند و با آب افطار کردند. صبح روز بعد حضرت علی "علیه السلام" حسن و حسین را به خدمت پیامبر "صلی الله علیه و آله" آوردند، درحالی که از گرسنگی می لرزیدند حضرت با آنها به خانه فاطمه^(س) آمدند و ایشان را در محراب عبادت دیدند درحالی که چشمهایش به گودی نشسته بود؛ پیامبر^(ص) ناراحت شدند.

در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت: ای محمد! خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت میگوید سپس سوره هل آتی را بر او خواند (گفته شده که از آیه «إِنَّ الْأَبْرَارَ» تا آیه «كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» در این ارتباط نازل شده^۱).

^۱الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷ تا ۱۱۱ و در کتاب «احقاق الحق» ج ۳، ص ۱۵۷ تا ۱۷۱ حدیث فوق از ۳۶ نفر از دانشمندان و علمای اهل سنت مشهور بلکه متواتر است. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۴.

تفسیر :

در آیات گذشته بعد از آن که انسانها را به دو گروه "شکرگزار" و "کفران کننده" تقسیم کرد اشاره کوتاهی به مجازات اهل کفر نمود و در آیه مذکور به پاداش نیکوکاران اشاره نموده و در ادامه نکات جالبی را بیان میکند. قبل از تفسیر آیات باید توجه کرد که اگر چه شأن نزول آیات در ارتباط با اهل بیت علیهم السلام است ولی مخاطبان قرآن کریم همه افراد در همه اعصار هستند و هدایت وحی هدایتی عام است .

در این آیه می فرماید: «أبرار» از جامی می نوشند که با عطری خوش و آرام بخش آمیخته است. «أبرار» جمع «برّ» در اصل به معنی وسعت و گستردگی است ، به همین جهت صحراهای وسیع را برّ می گویند و از آنجا که افراد نیکوکار نتایج اعمالشان در سطح جامعه گسترده است این واژه بر آنها اطلاق می شود.

«کافور» در لغت معانی متعددی دارد ، یکی از معانی آن بوی خوش است همچنین گیاهی است خوشبو .

به هر حال آیه فوق نشان می دهد که این شراب بهشتی بسیار معطر و خوشبو است که هم ذائقه از آن لذت می برد و هم شامه .

نکته بسیار جالب اینکه آیه تأکید بر نوشیدن این شراب در بهشت ندارد و با آوردن فعل مضارع "يَشْرِبُونَ" اشاره دارد بر اینکه نیکوکاران از این شراب می نوشند چنانچه شاهدیم که نیکوکاران در دنیا هم آرامشی خاص دارند و از اضطراب و ناراحتی تا حدود زیادی به دورند .